مثال منفصل و مثال متصل

خلاصه مسأله اعتدال مزاج هر کجا بیایی می‌بینی دارد اشاره می‌کند به رابطه غامض روح و بدن؛ یعنی تسویه و اعتدال بدن دخالت دارد در اینکه او بتواند کارش را انجام بدهد. چرا دخالت دارد؟ اینجا است که غموض آن مهم است؛ من عرض می‌کردم هوش پایه‌محور؛ یعنی پایه تشکیل می‌دهد و بستر درست می‌کند تا آن اشراق بتواند صورت بگیرد. وقتی این اشراق از بیرون صورت می‌گیرد...؛ ما در کلاس می‌گفتیم مثال متصل و منفصل؛ مثال نه یعنی تجرد برزخی.، مثال یعنی مجرد، اعم از تجرد برزخی ای عقلی. این را به این صورت در نظر بگیرید؛ مانند مثُل افلاطونی. مثُل افلاطونی مثال برزخی در عالم تجرد برزخی نیستند، بلکه عقلی هستند. ولی ایشان مثال می‌گویند. منظور من هم این کاربرد است.

یک مثال متصل و یک مثال منفصل داریم. این ادله می‌فرماید از مثال منفصل، اثر و اشراق، احاطه و تدبیر می‌آید؛ همه این‌ها می‌آید و بستر تسویه شده معتدل المزاج چه کار می‌کند؟ در آن چیزی تشکیل می‌شود که اسم آن را مثال متصل می‌گذاریم؛ ذهن؛ آن چه که به بشر بدن است؛ آن چه که اگر بشر نبود، نبود. اما آن‌چه که بیرون از این بستر است، آن چیزی است که هست و اگر بشر هم خلق نشده بود، هست. فقط نشان‌دادن آن را امروز عرض می‌کنم.

بازبینی #3
ایجاد شده 27 مارس 2024 20:31:14 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2025 16:03:16 توسط ... .